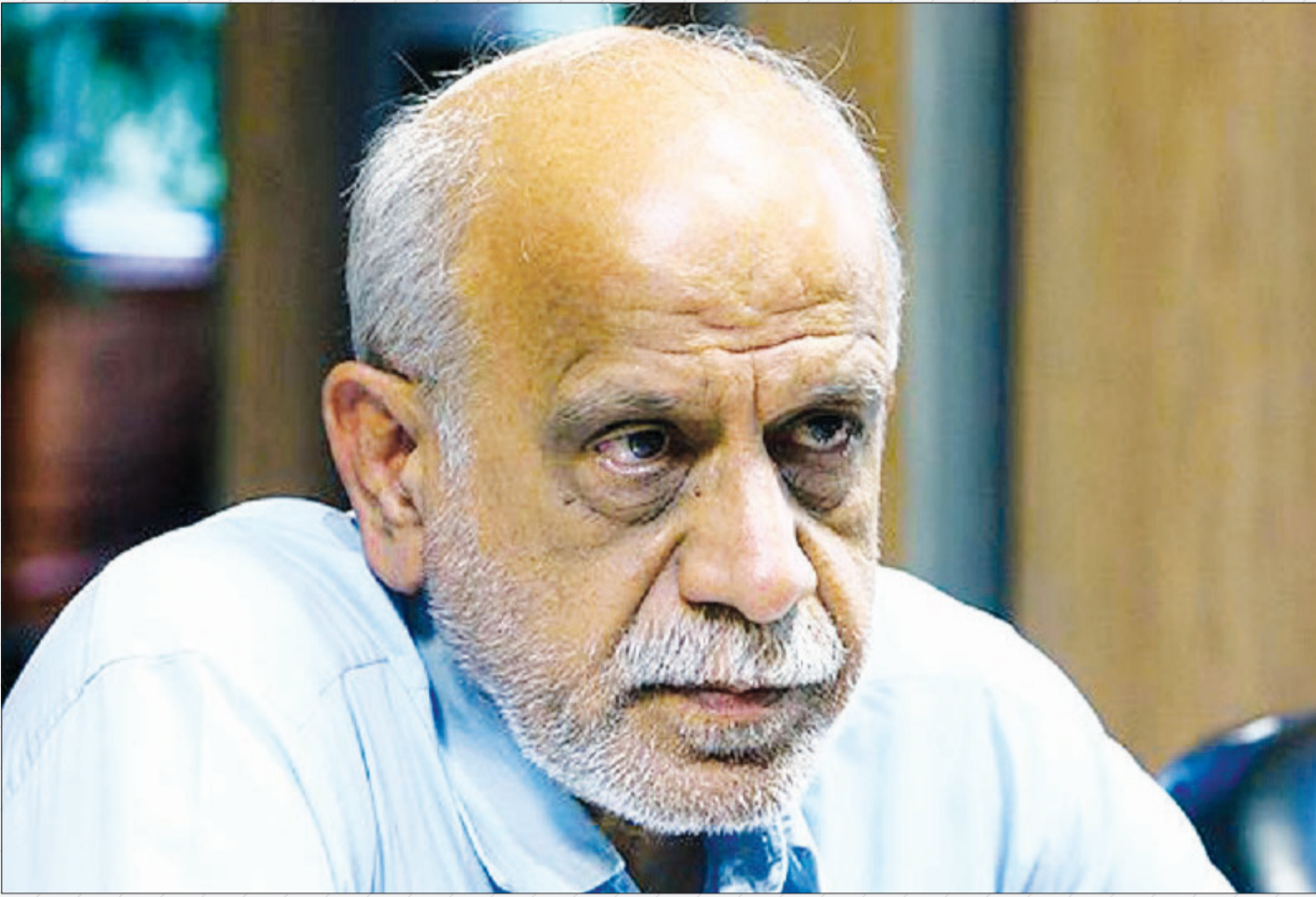




احمد حاتمی یزد، مدیرعامل اسبق بانک صادرات در گفت‌وگوی تفصیلی با «فرهیختگان»:

ادغام بانک‌ها مشکل حقوقی دارد

قانون تجارت ۱۵ سال است در مجلس معطل مانده!



چند ماهی از طرح ادغام بانک‌ها در محافل مختلف می‌گذرد و همگان در این باب سکوت اختیار کرده‌اند، به گونه‌ای که در مجامع برخی از بانک‌ها که امسال برگزار شد، هیچ صحبتی در این باره به میان نیامد. موضوع ادغام بانک‌ها برای اولین بار توسط رئیس کل بانک مرکزی مطرح شد. او در این باره گفته بود: «بانک‌هایی که کم و بیش مشکل دارند، با قرار گرفتن در کنار هم می‌توانند بر مسائل و مشکلاتشان فائق آیند و تحت عنوان یک نام جدید یا شاید هم همان نام قدیمی، گرد هم آمده و بانک قدرتمندی را با استانداردهای روز دنیا به وجود آورند. پس از مطرح شدن این موضوع موافقان و مخالفان زیادی در این باب سخن گفتند، اما این روش مرسوم در تمام دنیا، همچنان در ایران زیر سایه‌ای از ابهام باقی مانده است، چرا که نه تنها ادغام بانک‌ها در قانون تجارت ایران دیده نشده، بلکه نظام بانکداری در ایران نیز هیچ کدام از استانداردهای بین‌المللی را دارا نیست. هم‌اکنون پرونده ادغام بانک‌هایی که دچار مشکل مالی و نقدینگی هستند روی میز تصمیم‌گیران کشور باز است. حالا باید دید که اصلاً ادغام بانک‌ها شدنی است یا نه؟ احمد حاتمی یزد، کارشناس اقتصادی و مدیرعامل اسبق بانک صادرات در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بیان مسائل و مشکلات بر سر راه ادغام بانک‌ها و بررسی این موضوع پرداخته است. متن کامل این گفت‌وگو در ذیل می‌آید.

جاده و پایگاه ساخته‌اند و نتوانسته‌اند پول شان را بگیرند؛ همان پیمانکارانی که برای دولت کار کرده‌اند و پول خود را دریافت نکرده‌اند به بانک‌ها بدهکار هستند و نمی‌توانند بدهی بانکی خود را پرداخت کنند. از سوی دیگر در موضوع صندوق‌های بانزشتگی مشاهده می‌شود که واقعا این صندوق‌ها ورشکست شده‌اند، چرا که در دولت‌های گذشته رئیس‌جمهور وقت به یکباره اعلام کرد که هر کسی می‌خواهد با ۲۵ سال سابقه کار بانزشتگی شود، می‌تواند درخواست بانزشتگی کند. دولت نیز تعهد کرده است که آن پنج سالی را که افراد کسورات بانزشتگی نپرداخته‌اند، پرداخت کند. در آن دوره اصلاً به این موضوع که قرار است این اعتبارات از کجا تأمین شود، توجه نشده. در نتیجه صندوق‌های بانزشتگی امروز نمی‌توانند حقوق بانزشتگی خود را بدهند؛ حال آنکه بخش عمده‌ای از بودجه دولت که باید صرف کارهای عمرانی و ایجاد اشتغال شود، صرف تأمین کسری صندوق‌های بانزشتگی می‌شود.

البته برخی می‌گویند ۱۲ درصد مجموع تسهیلات اعطایی سرمایه داشته باشد، بانک صادرات این حداقل سرمایه را دارا نیست؛ نه تنها بانک صادرات ندارد، بلکه هیچ بانک ایرانی دیگری این مقدار سرمایه را ندارد. یعنی بانک‌های ایرانی به طور کامل به سپرده‌های مردم متکی هستند. خود بانک چهار عدم کفایت سرمایه است. محاسبه کفایت سرمایه پیچیدگی و فرمول خاصی دارد که به تأیید بانک مرکزی رسیده و بانک مرکزی هم آن را به همه بانک‌ها ابلاغ کرده است تا کفایت سرمایه خود را بر این اساس حساب کنند. بانک‌های ایرانی براساس فرمول بانک مرکزی دچار کمبود سرمایه هستند، حالا اگر دو بانک که کمبود سرمایه دارند با هم ادغام شوند، باعث نمی‌شود که سرمایه ادغام شده کفایت کند. باز هم آن بانکی که نتیجه این ادغام است، به شدت دچار همین مصیبت خواهد بود. به این دلایل من درباره ادغام بانک‌ها معتقدم که این طرح نه تنها مفید نیست، بلکه غیرممکن نیز به نظر می‌رسد.

پروژه در ایران نشدنی باشد؟
صورت‌های مالی بانک‌های ما، به شکلی که تا الان تهیه شده و از سوی سازمان حسابرسی رسیدگی شده‌اند، مورد قبول هیچ کس نیست، چرا که ضوابط و استانداردهای بین‌المللی تهیه گزارش‌های مالی در این ترانزاکشن‌ها رعایت نشده است. برای سیستم بانکی یک نظام گزارش‌دهی مالی به نام استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) وجود دارد که این استانداردها تاکنون توسط بانک‌های ایران رعایت نشده است. بانک مرکزی سه سال است که اصرار می‌کند بانک‌های ایران صورت‌های مالی خود را مطابق این ضوابط تهیه کنند تا قابل مقایسه با هم باشند؛ بانک‌ها می‌گویند نمی‌شود! نمی‌توانیم صورت‌های مالی خود را با این استانداردها تهیه کنیم. خوب در طول سال‌های گذشته بانک مرکزی هم مقداری با بانک‌ها مامشات کرده و گفته است برخی از این ضوابط را به مرحله اجرا درآورید. بانک‌ها باز هم مقاومت کردند و همین مقاومت باعث شده است در حال حاضر مجمع عمومی بانک‌ها که می‌خواهد صورت‌های مالی آنها را تصویب کند، حدود ۶ ماه به تأخیر افتد، بنابراین IFRS هنوز از مباحث مورد مناقشه در نظام حسابداری و بانکداری ایران است.

مسئله بعدی ما این است بر فرض که انجام شود، یعنی حساب‌های بانک‌ها اصلاح شود، ادغام بانک‌ها هم بدون داشتن قانون با روش‌هایی که دولت و بانک مرکزی تصویب می‌کنند عملی شود، باز هم صرف ادغام بانک‌ها مسأله‌ای را حل نمی‌کند. اگر دو بانکی که ضعیف هستند با هم ادغام شوند، طبیعتاً نمی‌توانند یک بانک قوی به وجود بیاورند.

شرایط مناسب ادغام شود و ادغام دو بانک مشکل دار مسأله‌ای را حل نمی‌کند؟
بله، همین‌طور است. به‌طور مثال، مشکل اصلی بانک صادرات، کمبود سرمایه است. با استانداردهای بین‌المللی هر بانکی باید حداقل معادل ۱۰ درصد

آقای حاتمی یزد! در شرایط موجود راهکار عبور کشور از شرایط پیش‌آمده چیست؟
از شرایط باید یک نظام جدید مالی طراحی کند و این کار در شرایطی امکان‌پذیر است که دولت، مجلس و قوه قضائیه و سایر مدیران اقتصادی کشور، همه با هم هم‌نظر شوند. متأسفانه این هماهنگی و هم‌نظری در حال حاضر وجود ندارد و هر کدام از مسئولان کشور ساز جداگانه‌ای می‌زنند. فرض کنید هزینه برخی عملیات فلان وزارتخانه در داخل و خارج از مرزها بیش از توان مالی کشورمان باشد. اینها بدهی ایجاد می‌کند. انباشت این بدهی دست‌آخَر به زبان مردم تمام می‌شود و سپرده‌گذاران به خطر می‌افتد، حقوق بانزشتگی‌ها به خطر می‌افتد، اقتصاد بی‌نظم می‌شود و انضباط مالی از دست می‌رود. مسائل، همگی بدون راهکار برای اصلاح رها شده‌اند، تنها مسأله بانک‌ها نیستند؛ کل اقتصاد کشور در یک بی‌نظمی و بی‌انضباطی در حال اداره شدن است. صدای اندیشمندان شنیده نمی‌شود.

به نظر شما نظام بانکی ایران چقدر در ایجاد این مشکل سهم دارد؟
نظام بانکداری ایران از اول انقلاب تاکنون به روش غیرحرفه‌ای اداره شده است. ما حاصل آن همین مصیبتی است که می‌بینیم و هیچ کس هم نمی‌تواند از آن سر در بیاورد. در تمام این سی و اندی سال مرتب بر بدهی دولت به بانک‌ها افزوده شده است. کل بدهی دولت هم‌اکنون به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده که مبلغ ریالی آن معادل ۸۰۰ هزار میلیارد تومان است. از این مبلغ بالغ بر ۱۵۰ هزار میلیارد تومان آن مربوط به بانک‌ها و مبالغ بسیار زیادی از آنها مربوط به پیمانکارانی است که برای دولت کار کردند، نیروگاه،



یعنی باید بانک ضعیف که شرایط مناسبی ندارد با یک بانک قوی با

چرا نشدنی است؟ چه دلایلی باعث می‌شوند این

گزارش تحلیلی

مهلت FATF به ایران ۴۰ روز دیگر تمام می‌شود! FATF بازوی اجرایی تحریم‌ها



به گفته مجید مسعودی، کارشناس دیپلماتی اقتصادی، FATF یک نهاد سیاسی است تا یک نهاد فنی. اسناد فراوانی نیز در این زمینه وجود دارد. رفتار این سازمان به‌طور کامل از سیاست خارجی آمریکا بعد از حادثه سپتامبر ۲۰۰۱ پیروی می‌کند. در این بین آمریکا از سیطره پولی و مالی اش برای پیشبرد این اهداف استفاده می‌کند. همچنین به اعتقاد رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس «رفتار FATF یک رفتار سیاسی است که تحت فشار و نفوذ کشورهای نظیر عربستان، اسرائیل و آمریکا اعمال می‌شود و در صورت ادامه یافتن این رفتارهای سیاسی، جمهوری اسلامی ایران در خصوص ادامه همکاری با این سازمان تجدیدنظر خواهد کرد. با توجه به ماهیت سیاسی این سازمان، این نهاد رفتاری سیاسی دارد و نه فنی. نباید تصور کرد که اگر ایران تمامی بندهای ۴۱ گانه Action Plan را اجرا کند، این رفتار تغییر خواهد کرد. باید این همکاری را ادامه داد، اما در نظر داشته باشید که پذیرش تعهدات FATF و عمل به آنها باید ناظر به منافع ملی باشد و در واقع باید گزینشی با آن برخورد کرد.

فلج‌کننده به تحریم‌های هوشمند تغییر جهت داد. به عبارتی آمریکا با انتخاب هوشمندانه مصادیق تحریمی و با استفاده از بندهای ۲۱ و ۳۱ برنامه اقدام FATF (تضمین شناسایی ذی نفع واقعی و اطلاعات آن) ابزار مهمی برای آمریکا جهت اعمال تحریم علیه ایران است. در نهایت باید گفت که نباید فریب بازی سازمان‌های به اصطلاح بین‌المللی اما بین‌دولتی‌ای نظیر FATF را خورد و تا آنجا این بازی را ادامه داد که به منافع ملی و اولویت‌های کشور صدمه‌ای وارد نشود. در عوض باید توان و انرژی دیپلماتی و قدرت نرم کشور را به زمین بازی کاهش سلطه دلار برد.

بازی FATF در بازی کلان تحریم‌های ثانویه بانکی
به‌عنوان یک بازو و مرجع به‌طور مشخص مباحث بانکی را پیگیری می‌کند. در تحریم‌های ثانویه، اهرم فشار آمریکا بر سایر کشورها برای اعمال این تحریم‌ها، سیستم مالی بین‌المللی یا همان چرخه دلار است. در ارتباط با برنامه اقدام FATF، سه نهاد مهم کشور شامل بانک مرکزی، وزارت اقتصاد (شورای عالی پولشویی) و واحد FIU و وزارت خارجه درگیر هستند. ۱/۵ سال قبل و پس از اجرای برجام، تبادلات

بهار اکبری کارشناسی سازمان بین‌دولتی FATF با ادعایی ظاهراً فنی اما با عملکرد و رفتاری سیاسی، عروسک خیمه‌شب‌بازی و ملعبه کشورهای عضو برای اجرای تحریم‌های ثانویه پولی و بانکی علیه ایران شده است.

FATF یک گروه بین‌دولتی است که به ابتکار کشورهای عضو گروه G7 تشکیل شد. هدف این سازمان بین‌دولتی بررسی‌هایی به‌منظور مبارزه با پولشویی است و نتایج آن در جلسات هر چهار ماه یک‌بار به اطلاع کشورهای عضو می‌رسد تا این کشورها بتوانند ریسک مالی سرمایه‌گذاری در کشورهای هدف را بررسی کنند. این سازمان غیردولتی در سال ۲۰۰۱، گرایش خود را متفاوت کرد و قرار بر این شد که این کشورها مبارزه خود علیه تأمین مالی تروریسم را افزایش دهند. FATF در سال ۲۰۰۷، ایران را به علت حمایت از گروه‌های مقاومت در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار داد و در مورد ارتباط با ایران هشدار داد؛ اما در روز ۴ تیرماه ۱۳۹۵ و بعد از هشت سال، با خروج ایران از لیست سیاه موافقت کرد تا در دو قسمت مهم ترانزیت مالی و حواله‌های ارزی برای کشور، مقررات کلی‌اش را اجرا کند و به تصمیم نهایی برسد. این در حالی است که اما و اگرهای FATF برای ماندن یا نماندن ایران در لیست سیاه هنوز به خط پایان نرسیده است. طی روزهای اخیر، FATF در بیانیه‌ای اعلام کرده است که ایران تا ماه نخست سال ۲۰۱۸، یعنی بهمن‌ماه ۱۳۹۶ وقت دارد تا به تعهدات خود در برابر FATF عمل کند تا بعد از ارزیابی، ایران در لیست سیاه بماند یا از آن خارج شود.

FATF یک سازمان سیاسی است تا یک سازمان فنی و مستقل